

کتابتیں

ISSN : 2228-5679

[illegible]

ابراهیم بن حکم بن ظهیر ✦ جایگاه علمی اجتماعی ابن نخلد، از اساتید سنی مذهب شیخ طوسی ✦ حقیقه ایمان شهید ثانی یا ایضاح
البیان زین الدین بن محسن عاملی ✦ چگونگی مرجعیت و نشر فتاوی شیخ اعظم انصاری ✦ حاج شیخ جعفر شوشتری ✦ دکتر سید محمد
علی شهرستانی ✦ زندگینامه های خودنوشت شیخ حسین واعظ شوشتری، محمد تقی نیرتیری، میرزا محمد حسین نائینی و شیخ محمد غروی
سندی از حدود هشتاد سال پیش راجع به تحول در حوزه نجف اشرف ✦ پنج نامه منتشر نشده از استاد فقید دکتر ابوالقاسم گرچی ✦ هبه نامه
و وصیت نامه سید دلدار علی ✦ سه اجازه از بزرگان حله ✦ اجازه ابن ابی جمهور به سید حسن بن ابراهیم بن یوسف بن ابی شبانه
بیسست و پنج رساله در موضوع نذر بعد از وفات ✦ نگاهی به الاخبار الدخیله ✦ الاربعین فی امامه امیر المؤمنین ✦ آفاق نجف ✦
گزارش سفری به ریاض ✦ تصحیح اعیان الشیعه ✦ نامه شیخ آقا بزرگ تهرانی به آیه الله ملا محمد جواد صفای
نکته ها ✦ آثار نو یافته

کتاب پیوست: ملحق مال الاصل

تصحیح اعیان الشیعه

سید رسول علوی

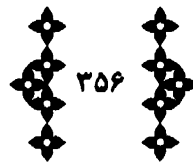
تصحیح اعیان الشیعه

يقوم الكاتب في مقالته بالتعريف بالموسوعة الرجالية أعيان الشيعة تأليف السيد محسن الأمين العاملي، وذلك بمناسبة قيام مؤسسة تراث الشيعة بوضع مشروع تصحيح وتحقيق هذه الموسوعة ضمن برنامجها. وبعد مقدمة قصيرة عن أنواع كتب السير وترجمة مختصرة للسيد محسن الأمين، يورد الكاتب في مقاله نص المقدمة الأولى للكتاب التي تتضمن ١٤ فقرة تعريفية بالكتاب. ثم يستعرض جهود السيد حسن الأمين لتكميل تدوين ونشر هذه الموسوعة وتأليف مستدركات أعيان الشيعة. ويبين الكاتب ضرورة إعادة النظر في الطباعات الأخيرة لهذا الكتاب استناداً إلى المبادئ الأربعة عشر التي ذكرها مؤلف الكتاب، ويؤشر خلال مقاله إلى تسعة عشر مشكلة تواجه هذه الطباعات، خصوصاً طبعة المجلدات العشر.

چکیده: نگارنده در این گفتار، ابتدا زیست نامه ها را تقسیم موضوعی می کند، سپس شرح حال سید محسن امین و انگیزه و شیوه تألیف اعیان الشیعه را براساس مقدمه جلد اول این کتاب می آورد و استدرکات سید حسن امین، فرزند مؤلف بر کتاب را یادآوری می شود. آنگاه توضیح در مورد چاپ های مختلف اعیان الشیعه و اشکالات موجود در آنها، نیاز به بازنگری مجدد، و کارهایی که در چاپ جدید در دست انجام است، بیان می دارد. کلید واژه: امین عاملی، سید محسن؛ امین عاملی، سید حسن؛ اعیان الشیعه؛ تراجم - شیعه؛

کتاب شیعه (۲)
سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان [۱۳۸۹]

[پژوهش های دردست اجرا]
تصحیح اعیان الشیعه



تاریخ علم و دانش و برگ برگ زرین تاریخ تشیع گواهی است روشن از مشقت و تلاش بی پایان و مستمر عالمان و صاحبان فکر و فضیلت که در ترویج اندیشه و فرهنگ اصیل اسلامی کوشیدند؛ فرهنگی که با زبان اهل بیت عصمت و جلال از متن قرآن کریم و احادیث نبوی ﷺ استخراج گردیده است؛ آنان که در تنگنای حکومت‌های جور و ستم دشمنان اهل بیت، و با نبود امکانات کافی و با تحمل رنج‌های فراوان در سفرهای طولانی، به کسب علم و فضیلت مبادرت نمودند و با زبان و قلم علوم و فضایل اخلاقی را به نسل‌های پس از خود رساندند و لحظه‌ای از سعی و تلاش باز نایستادند.

معرفی و بیان سرگذشت زندگانی این مردان بزرگ علاوه بر آنکه تقدیر و سپاسی است از زحمات آنها، تلاشی خواهد بود برای زنده نگه داشتن یاد، آثار و برکات وجودی آنان، چنان‌که رسول اکرم ﷺ فرمودند: «من ورّخ مومنًا فکانما اَحیاهُ» ضمن آنکه مطالعه شیوه زندگی بزرگان بهترین الگو برای جوانان امروز است تا از زندگانی و سیره علمی آنان درس فراگیرند چنان‌که قرآن مجید نیز در آیات مختلف به آن تأکید فرموده است:

﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ﴾ (روم / ۴۲)، همین مضمون در: آل عمران / ۱۳۷، نمل / ۶۹، روم / ۴.

قاضی ابوبکر احمد ارجانی این چنین سروده:

إذا عرف الإنسان أخبار من مضى توهّمته قد عاش في أول الدهر

بدین منظور تاریخ نگاران و سیره نویسان آثار زیادی را برای نگارش پیشینیان تألیف نموده‌اند. و مقصود هریک به فراخور اثری که خلق کرده‌اند، متفاوت است، ولی هیچ انگیزه‌ای برای نویسنده و خواننده مقدس‌تر از انگیزه عبرت‌گیری و درس آموزی و اسوه‌پذیری نیست.

﴿لقد كان في قصصهم عبرة لأولي الألباب﴾ (یوسف، ۱۱۱)

مجموع آثار و تألیفاتی را که در شرح حال شخصیت‌های علمی، اجتماعی، دینی، تاریخی و... به چاپ رسیده، می‌توان به چند دسته تقسیم نمود:

۱. شرح‌هایی که تنها به زندگانی یک شخصیت پرداخته‌اند و به «تراجم تك نگاری» معروف‌اند، مانند: السید هبة الدين الشهرستاني؛

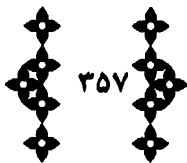
۲. کتاب‌هایی که فقط شرح حال شخصیت‌های صدر اسلام را مورد توجه قرار داده‌اند، مانند: الاستيعاب في أسماء الأصحاب، اسد الغابة؛

۳. تراجمی نیز وجود دارند که مختص مذهب یا فرقه خاصی هستند، مانند: طبقات الشافعية، علماء الحنابلة؛

۱. کشف الظنون، ج ۱، ص ۳.

۲. الوافی بالوفیات، ج ۱، ص ۲۷.





۴. عده‌ای از نویسندگان به جمع‌آوری شرح حال شخصیت‌های يك منطقه خاص پرداخته‌اند، مانند: تاریخ مدینه دمشق، شرح حال رجال ایران؛

۵. نوع دیگری از تراجم نیز مربوط به رشته، تخصص و یا حرفه‌ای خاص است، مانند: معجم الشعراء، معجم الادباء؛

۶. بعضی از شرح حال‌ها، زندگانی عالمان زمان خاصی را یادآور شده‌اند، مانند: سلك الدرر فی اعیان القرن الثاني عشر، نقباء البشر فی القرن الرابع عشر؛

۷. برخی از کتب تراجم به طبقات فرقه خاصی اختصاص دارد، مانند: طبقات الصوفیة، طبقات الفقهاء؛

۸. برخی از نویسندگان نیز کتاب خود را به شرح حال ترکیبی از موارد فوق اختصاص داده‌اند، مثلاً به شرح حال عالمان رشته‌ای خاص، در منطقه‌ای محدود پرداخته‌اند، مانند: النجفیات که در ذکر ادیبان نجف اشرف می‌باشد.^۲

۹. شماری از کتاب‌های تراجم که به «تراجم عمومی» معروف‌اند صرفاً به شرح حال عالمان، بدون در نظر گرفتن محدودیتی خاص پرداخته‌اند، مانند: سیر اعلام النبلاء، مجمع الرجال.

یکی از آثار مهم، ارزشمند و گسترده که در شرح حال شخصیت‌ها و رجال شیعه به رشته تحریر درآمده، کتاب اعیان الشیعه اثر «مرحوم آیت الله سید محسن امین عاملی» است که به حق دائرة المعارف جامع است که به معرفی شخصیت‌های برجسته شیعه در رشته‌ها و فنون مختلف، از کشورها و شهرهای گوناگون که قبل از دوران حیات مؤلف، می‌زیسته‌اند، می‌پردازد.

با توجه به اهمیت، جامعیت و جایگاه این کتاب، مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه، با تصحیح، تحقیق و چاپی وزین در تلاش است این اثر ارزشمند را احیا نماید. مقاله حاضر رهیافتی است به تحقیق و تصحیح موسوعه اعیان الشیعه در مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه.

نگاهی گذرا به زندگانی سید محسن امین

علامه سید محسن بن سید عبدالکریم امین عاملی در سال ۱۲۸۴ ق در روستای شقراء جبل عامل در خانواده‌ای اهل علم و دانش و از محبین خاندان عصمت و طهارت علیه السلام، دیده به جهان گشود و تا سال ۱۳۰۸ ق در دیار جبل عامل به تحصیل پرداخت.

در آن سال به همراه شیخ حسین مفید و تعدادی از جوانان جویای علم، به حوزه علمیه نجف اشرف مهاجرت نمود و از محضر بزرگانی همچون سید احمد کربلایی، شیخ محمد باقر نعیم آبادی، سید علی عاملی، شیخ الشریعه اصفهانی بهره‌مند شد و دروس سطح را به پایان رساند. سپس در درس خارج اصول آخوند خراسانی، فقه حاج آقا رضا همدانی و شیخ محمد طه نجف

۲. سید محسن امین در مقدمه اعیان الشیعه به اقسام مختلفی از شرح حالهایی که تاکنون به نگارش درآمده، اشاره کرده است.



شرکت کرد و مدارج علمی خود را تکمیل نمود.

در اواخر جمادی الآخره سال ۱۳۱۹ به دلیل نامه های فراوانی که شیعیان دمشق برای او فرستادند، نجف اشرف را ترک گفت و با هدف خدمت به مردم به سوی دمشق رهسپار شد و در آن جا خدمات فراوانی ارائه داد. احداث مدارس ویژه دختران و پسران، وقف زمین و ساختمان هایی برای اهداف آموزشی و چاپ و انتشار کتابهای ویژه آموزشگاه ها، بخشی از خدمات ارزشمند وی برای زدودن زنگار ناآگاهی و جهل از جامعه اسلامی به شمار می آید.

وی به عنوان مرجع مؤمنان منطقه، منادی وحدت شیعه و سنی بود و با رهبری و هدایت نیروهای استقلال طلبی که در مقابل اشغالگری فرانسویان قیام کرده بودند، به مبارزات سیاسی علیه ظلم و جور پرداخت.

سرانجام پس از سالها تلاش در رجب سال ۱۳۷۱ دیده از جهان فرو بست. پیکر پاکش در دستان هزاران تن از مریدان وی تشیع و در زینبیه دمشق به خاک سپرده شد.

از ایشان علاوه بر تربیت شاگردان و دانشمندان فرزانه، حدود ۱۰۰ جلد کتاب و رساله برجای مانده است که مهمترین و بزرگترین آنها «اعیان الشیعه» در شرح حال بزرگان شیعه می باشد. کتابهای تاریخ جبل عامل، البحر الزخار فی شرح احادیث الائمه اطهار، حذف الفضول عن علم الاصول، المجالس السنیه فی مناقب و مصائب العتره النبویه و لواعج الاشجان از دیگر آثار وی است.

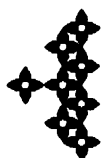
اعیان الشیعه

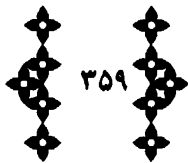
در میان آثار متنوع و متعددی که از علامه سید محسن امین به یادگار مانده، اعیان الشیعه بیش از هر کتابی یادآور نام او و بهتراز هر تألیفی نشانگر وسعت و گستره معلومات این عالم شیعی است، و یکی از مهمترین آثار وی به شمار می آید.

این دانشنامه بزرگ که با هدف شناساندن هویت فرهنگی شیعه و یادآوری نقش امامیه در اعتلای تمدن اسلامی تدوین شده است، در بردارنده شرح حال همه بزرگان شیعه دوازده امامی اعم از صحابه، تابعین، تابعین تابعین و اهالی هر علم و فنی می باشد به طوری که از رویان و ناقلان حدیث، مفسران، فقیهان، حکیمان، متکلمان، واعظان، مورخان، ادیبان، شاعران، لغویون و منطقین و صاحبان دیگر علوم و فنون تا پادشاهان و وزیران، نام همگی در این کتاب ذکر شده و به فراخور اطلاعات به دست آمده، ثبت و در مورد آنها مطالبی نگارش یافته است.^۲

در ابتدای کتاب «خطبه الکتاب» آمده است که سید در آن به کلیاتی در مورد شرح حال نگاری و کتابهایی که در این باب نوشته شده، پرداخته است.

۴. در مورد اهمیت، جایگاه و گستردگی اعیان الشیعه و مؤلف آن مطالب فراوانی نوشته شده و تقریظهای متعددی از اندیشمندان و پژوهشگران عرب زبان سنی و شیعه به نگارش در آمده است که تعدادی از آنان در ضمن مجلدات اعیان الشیعه به ویژه در شرح حال مؤلف در همین کتاب ذکر شده است.





مقدمه اول که بعد از خطبه آمده، به روش کار مؤلف در اعیان پرداخته و شیوه تحقیق را در ۱۴ بند متذکر شده است.

مقدمه دوم در دوازده بحث، به مطالبی کلامی و تاریخی راجع به تشیع و شیعه اختصاص یافته است.

مؤلف محترم در مقدمه سوم، ۳۹۳ عنوان از منابع و مصادر تحقیق اعیان را شناسانده است. سپس به شرح حال و ذکر سیره حضرات چهارده معصوم پرداخته و به تفکیک و تفصیل، زندگی نامه هر یک از آنان را بیان نموده است، در ادامه به شرح حال اعیان و بزرگان شیعه مبادرت ورزیده و شرح حال ۱۱۷۳۹ نفر از نامداران شیعه را ذکر نموده است.^۵ در انتها نیز شرح حال خود را آورده است.^۶

چنانکه گفتیم مؤلف در مقدمه اول کتاب به روش کار خود در اعیان پراخته و ۱۴ بند را در آنجا یادآوری کرده است. با توجه به اهمیتی که شناخت روش تحقیق در قضاوت در مورد یک اثر خواهد داشت لازم دیدیم در اینجا ترجمه این مقدمه را بدون هیچ دخل و تصرفی بیاوریم تا نکاتی که در ادامه مقاله، ذکر خواهیم نمود، آشکارتر گردد.

ترجمه مقدمه اول کتاب اعیان الشیعه:

مقدمه اول: درباره بیان روش ما در این کتاب که شامل چند مطلب می‌گردد:

۱. ما در این کتاب به شرح احوال شیعیان دوازده امامی اکتفا می‌کنیم و از ذکر غیر آنها خودداری می‌نماییم مگر به ندرت و یا در مواردی که احوالشان برای ما معلوم نباشد. اما از ایاران پیغمبر ﷺ تمام کسانی را که شیخ طوسی از آنها در کتاب رجال خود نام برده است، اگرچه از شرط کتاب ما هم خارج باشند با بیان و اشاره به مطلب، ذکر نموده ایم و این بدان جهت است که هیچ کسی را که علمای شیعه از او نام برده‌اند، از قلم نیندازیم.
۲. به شرح حال هیچ یک از معاصرانی که در قید حیات می‌باشند، نمی‌پردازیم.
۳. تا آنجا که ممکن است حقیقت را می‌جوییم و از آنچه که با طبع و سلیقه خوانندگان سازگار نباشد، دوری می‌گزینیم. با وجود این، می‌دانیم که جمع میان این دو امر بس دشوار است و شرح حال کسانی که خانواده‌هایشان در قید حیات می‌باشند، بسیار سخت است و گفته شده است: «کسی که به تألیف کتابی بپردازد هدف تیر ملامت قرار می‌گیرد»^۷. مخصوصاً تألیف کتاب درباره شرح احوال، برای کسی که جویای حقیقت باشد، کار آسانی نیست. بنابراین ممکن است خوانندگان به مطلبی برخورد نمایند که برخلاف سلیقه آنها باشد، لذا از آنان پوزش می‌خواهیم، زیرا هیچگونه نیت بدی در کار نبوده است.
۴. هرگاه در ضمن گفته‌هایمان، یکی از بزرگان را به جهت نقل از او یا از کتاب او، یا به خاطر پاره‌ای از مناسبات نام ببریم، مانند این که گفته شود: فلان شخص، شاگرد او بوده یا او شاگرد فلانی بوده یا او از کسی روایت کرده یا کسی از او روایت نموده است

۷. این من آلف نقد استهدف.



و یا غیر این ها، در همه موارد مذکور، او را بدون القاب و اوصاف ذکر می نماییم و بیان القاب و اوصاف او را به محل شرح حال خود او موقوف می نماییم و این به خاطر پرهیز از طولانی شدن بی سبب می باشد؛ بنابراین، نباید گمان رود که این امر، به کوتاهی ما در حق او باز می گردد.

۵. نامها را به ترتیب حروف الفبا مطابق حرف اول و دوم و حروف بعد از آن و بر طبق اسامی پدران و نیاکان و القاب و اوصاف ذکر می کنیم؛ بنابراین، آدم بن اسحاق را قبل از آدم بن الحسین و ابان بن ارقم الطائی را قبل از ابان بن ارقم العنزی می آوریم و به همین ترتیب.

۶. کسی که دارای نام مرکب باشد، او را به اعتبار جزء اول نامش بیان می کنیم و جزء دوم نامش را به منزله نام پدر قرار می دهیم. مثلاً محمد باقر و محمد بن باقر در یک ردیف قرار می گیرند و همچنین محمد مهدی با محمد بن مهدی و محمد حسن با محمد بن حسن و محمد علی با محمد بن علی، مساوی می باشند.

۷. کسی که به دو نام شناخته شده است، مانند باقر و محمد باقر، جواد و محمد جواد، مهدی و محمد مهدی و غیر اینها، در شرح حال او به هر یک از این دو اسم که خواستیم او را نام ببریم، مخیریم. همچنین، کسی که با کنیه یا لقب و یا صفتی، شهرت یافته است، شرح حال او را با نامش آغاز می کنیم و در دیگر موارد، بدان اشاره می کنیم.

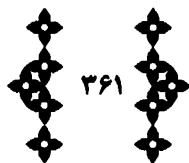
۸. در شرح حال کسی که به واسطه نسبت به یکی از نیاکانش شهرت یافته است، نام محذوف وی را می آوریم و همان گونه که مشهور است به او اشاره می کنیم.

۹. در صورت آگاهی، ابتدا تاریخ ولادت، سپس تاریخ وفات، آنگاه رابطه خویشاوندی او را بیان خواهیم نمود.

پس از آن به بیان اقوال دانشمندان، درباره شخص مورد نظر و یا آنچه که ما قصد داریم در توصیف او بیاوریم، می پردازیم. سپس آنچه را که نگارندگان شرح احوال، درباره سیره و حالات او بیان داشته اند و یا خود ما درباره ایشان می دانیم، ذکر می کنیم و به همین ترتیب اگر به تشیع معروف نباشد، دلایلی را که بر تشیع وی دلالت دارد می آوریم، سپس به ترتیب از تألیفات و نظم و نشر او یاد می کنیم. البته تفصیل مذکور، در شرح احوال کسانی رعایت می گردد که شرح احوال آنان طولانی و دربرگیرنده موارد فوق یا بعضی از آنها باشد نه در شرح احوال کوتاه.

۱۰. کسی که دارای اشعار فراوانی است به خصوص اگر اشعار وی جمع آوری، چاپ و منتشر نشده باشند، از طولانی نمودن شرح حالش با آوردن مقدار کافی از اشعار او دست باز نمی داریم. همچنین کسی که حال اقتضا کند تا با نقل چیزی از آثار او اعم از نثر و استدلال یا آنچه که در تألیفاتش ذکر کرده است و نقل نمودن آن مناسب است با وجود این که شرح حال او به درازا می کشد، سخن را در شرح حال او به درازا می کشانیم، زیرا تفصیل در مورد تاریخ و شرح احوال بهتر از اختصار است.





۱۱. شرح حالی که ایجاب کند تا محاکمه یا اموری از گذرگاه حوادث و غیره و یا امثال آن، در آن بیان گردد، در حد توان و تا آنجا که مجال باشد و فرصت یاری کند، از بیان آن توقف نخواهیم کرد.

۱۲. هرگاه کلمه «الفهرس» را آوردیم منظور از آن، کتاب فهرست اسامی مؤلفین امامیه تألیف شیخ ابوجعفر محمد بن حسن طوسی می باشد و اگر کلمه «رجال الشیخ» را عنوان کردیم، مراد از آن، کتاب رجال شیخ مذکور است، که آن کتاب را بر چند باب مرتب نموده است: ابتدا کسانی را که از پیغمبر ﷺ روایت کرده اند، سپس آنان که از هر یک از ائمه نقل کرده اند، آنگاه کسانی را که از هیچ کدام از امامان روایت نکرده اند، نام برده است. و چنانچه کلمه «شیخ» را ذکر کردیم منظور، مؤلف کتاب الفهرست و کتاب رجال، یعنی شیخ طوسی می باشد.

۱۳. همانطور که مشهور و در جای خود ذکر شده است، عادت نویسندگان کتب رجال بر این بوده که به خاطر اختصار، نام کتابها و ابواب آن و پاره ای از اسامی مؤلفین را به رموز و اشاره بیان دارند ولی ما به جهت روشن ساختن و آسان نمودن بر خوانندگان، اسامی آنچه که آنان با رمز آورده اند را با صراحت ذکر خواهیم نمود.

۱۴. عادت دیگر نویسندگان کتب شرح احوال این بوده که کنیه ها، ألقاب و آن چه را که با کلمه ابن یا بنت، و یا امثال آن شروع می شود و همچنین نامهای زنان را در بابهای جداگانه بیاورند، ولی ما این روش را در پیش نگرفته ایم، بلکه همه آنها را نام و لقب به ترتیب حروف الفباء، در بابهای جداگانه بیان کرده ایم. مثلاً الأحمري را در حرف الف، البلالی را در حرف باء، تقی را در حرف تا، الثمالی را در حرف ثاء، الجامورانی را در حرف جیم، الصمیری را در حرف صاد، والمسعودی را در حرف میم، به همین ترتیب ذکر نموده ایم. همچنین الأحمري را پیش از الأسدی، البقباق را قبل از البلالی، الصولی را قبل از الصیمری، ماجیلویه را پیش از مسعودی و نخعی را قبل نوفلی، و مابقی موارد را نیز به این ترتیب بیان داشته ایم.

به همین روش کنیه ها و آنچه را که با کلمه ابن یا آخ یا آخت یا أم آغاز می شود، در حرف الف ذکر کرده ایم و در ترتیب آن، حروف اول اسمی را که بعد از آن قرار دارد، رعایت نموده ایم. مثلاً ابواب ابراهیم را قبل از ابواسماعیل، ابواب ابراهیم الأسدی را پیش از ابواب ابراهیم البصیری، ابوالولاد را قبل از ابوالولید، أم البراء را پیش از أم حبیبیه، ابن ابی الجعد را قبل از ابن ابی جید و ابن اخی شهاب را پیش از ابن اخی ظاهر، به همین ترتیب آورده ایم و آنچه با کلمه بنت شروع شده است را در حرف باء ذکر نموده ایم. و با هر کنیه یا لقب و یا آنچه به کلمه ابن یا بنت آغاز شده است، نام شخص را (اگر بدانیم) بیان کرده ایم و شرح حال او را با نام خودش در جای خود نگاشته ایم. ولی در صورتی که نام شخص مورد نظر برای ما معلوم نبوده باشد، شرح حال او را با کنیه یا لقب یا ابن فلان و یا بنت فلان، عنوان می کنیم. مثلاً احنف را در باب



الف بیان می‌داریم و می‌گوییم: «نام اوصخر فرزند قیس یا ضحاک است» و بدین امر اکتفا می‌کنیم، لیکن شرح حال او را در زیر کلمه صخر می‌آوریم و در کلمه ضحاک به آن اشاره می‌کنیم، یا برعکس شرح حالش را ذیل کلمه «ضحاک» عنوان می‌کنیم و در کلمه صخر، بدان اشاره می‌نماییم. همچنین ابوالأسود دثلی را در باب الف ذکر می‌کنیم و می‌گوییم: «نام او ظالم بن عمرو است» و با کلمه ظالم، به شرح حال او می‌پردازیم. بدین ترتیب ابن ابی عقیل را در باب الف بیان می‌کنیم و می‌گوییم: «نامش حسن است» و شرح حال او را در زیر کلمه الحسن می‌نگاریم و نوفلی را در باب نون آورده و می‌گوییم: «نامش حسین می‌باشد» و در زیر کلمه الحسین، به تحریر شرح حال او می‌پردازیم. و زنان را نیز در کنار مردان به همین منوال بیان می‌داریم.

۱۵. آنچه را که در جلد های قبل، از قلم انداخته‌ایم، با وجود این که لازم بود که در يك جزء یا در اجزاء جداگانه به نام «المستدرک» نگاشته شود، ولی با توجه به این که گرفتاری های روزگار و پیش آمده های آن را امانت نمی‌باشد، جهت نوشتن مطالب از قلم افتاده، در اواخر اجزاء بعد شتاب نمودیم.^۸

۸. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۱۶-۱۷.

استاد سید حسن امین، فرزند نویسنده:

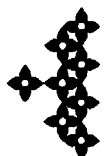
هر چند کتاب اعیان الشیعه به قلم علامه سید محسن امین به نگارش درآمده ولی بی تردید در سامان یافتن این اثر گران سنگ، فرزند محقق و دانشمند او «استاد سید حسن امین» تلاش فراوانی داشته است.

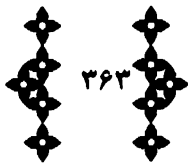
اگر تلاش های چندین ساله سید حسن امین نبود، حداقل نیمی از مطالب این دائرة المعارف در دسترس قرار نمی‌گرفت و پژوهشگران و محققان از آن بی بهره می‌شدند.

وی علاوه بر نقش مهم و مؤثری که در جمع‌آوری، تنقیح مطالب و چاپ و نشر این کتاب داشته، در تدوین مطالب آن نیز به ویژه بعد از وفات پدر، دخالت داشته است. او در شرح حال خویش چنین می‌نویسد:

الفت وفاة والدي على عبناً ثقیلاً فقد وجدت أمامی موسوعة اعیان الشیعة وقد وصل فيها الوالد إلى نهاية حرف السین فی خمسة وثلاثین جزءاً وترك بقية المواد مسودات اکثرها مشوش، وبعض التراجم لم یکتمل، وبعضها لم یکتب اصلاً فعکفت على تنسيق المسودات وضممتها بعضها الى بعض، الى اکمال مالم یکتمل من الترجمات وكتابة مالم یکتب منها؛

وفات پدرم مسؤولیت سنگینی را بر دوش من گذاشت. در مقابلم موسوعة اعیان الشیعه بود که پدر تا زمان وفاتش، تا پایان حرف سین (جلد ۳۵ چاپ قدیم) را آماده نموده بود. ولی بقیه ماده‌ها به صورت دست نوشته و اکثر آنها بهم ریخته باقی مانده بود. برخی از شرح حالها کامل نبود و برخی نیز اصلاً نوشته نشده بود. با تلاش





و کوشش توانستم دست نوشته های پدر را جمع آوری و برخی از آنها را با برخی دیگر مخلوط کنم تا نواقص را حل نمایم و آنچه را پدر ننوشته بود، به نگارش درآورم.

اوبه هنگام مرگ پدر ۴۵ سال از عمرش می گذشت و پس از پایان کتاب ۶۵ سال داشت. تنها هدف سید حسن امین در این دوده به نتیجه رساندن زحمات پدر بود و هرگز به تألیف مستدرکی به طور مستقل نمی اندیشید.^۱

سید حسن در خاطراتش می نویسد: «در خلال مطالعاتم به مطالب بسیار قیمتی و مهم در مورد افرادی که شرح حالشان در اعیان آمده بر می خوردم و دائماً حسرت داشتم که ای کاش قبل از چاپ کتاب، این مطلب را می دیدم و به مطالب پدر می افزودم».^۲

این نکته سبب شد تا سید حسن امین «مستدرکات اعیان الشیعه» را تألیف و به مرور زمان به چاپ رساند. تا هنگام وفات سید حسن ۱۱ جلد از این مستدرکات چاپ و به زیور طبع آراسته شد.^۳

چاپهای اعیان الشیعه

شروع چاپ این کتاب چنانچه شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعه فرموده اند، سال ۱۳۵۴ قمری است^۴ و تاکنون به صورتهای متعددی به چاپ رسید است. چاپهای اعیان را به چند دسته می توان تقسیم کرد:

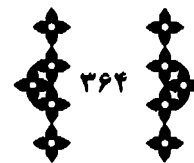
۱. مجلداتی که در زمان نویسنده به چاپ رسید؛ یعنی تا جلد ۳۵ و تا پایان حرف سین. چاپ مجدد برخی از آنها در زمان حیات مؤلف و زیر نظر ایشان و ظاهراً تا جلد ۵ در زمان مؤلف تجدید چاپ شده است. این مجلدات دارای اصلاحات و تغییراتی است لذا تفاوتهایی بین چاپ اول و دوم مشاهده می شود که قطعاً بر اساس نظر نگارنده انجام شده است.

۲. همان طور که پیشتر بیان شد، جلد ۳۶ تا جلد ۵۵ بعد از وفات نویسنده و تحت نظر فرزندش، استاد سید حسن امین چاپ شده است.

۳. سید حسن امین مجدد از جلد ۱ تا ۵۵ را به چاپ رساند. در این نوبت نیز تا جلد ۳۵ که در زمان پدر به چاپ رسیده بود، تغییراتی داده و مطالبی را حذف و اضافه نموده است. این چاپ با جلد های سبزرنگ و در قطع وزیری و برخی مجلدات به صورت رحلی به طبع رسیده است.

۴. در سال ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م برای نخستین بار اعیان الشیعه توسط «انتشارات دارالتعارف للمطبوعات» دره جلد، در بیروت منتشر شد. این چاپ زیر نظر مستقیم سید حسن امین انجام گرفت و تفاوتهای فراوانی بین این چاپ و چاپ قبلی که آن نیز زیر نظر فرزند نویسنده انجام شده وجود دارد. این کتاب بارها در لبنان و ایران انتشار یافت. سید حسن در مقدمه کوتاهی که به عنوان (تقدیم هذه الطبعة) در ابتدای جلد اول آورده از آن به عنوان چاپ پنجم یاد می کند که با





مشورت متخصصین و شخصیت‌های متعدد به شکل جدید درآمده است.

۵. اعیان الشیعه در سال ۱۴۱۹ ق / ۱۹۹۸ م در ۱۵ جلد به چاپ رسید که در شناسنامه کتاب از آن به عنوان الطبعة الخامسة یاد شده است. در مقدمه این چاپ تحت عنوان «تقدیم هذه الطبعة» با امضای «حسن الامین»، چنین آمده است: «فكان من توفيق الله ان استطعنا أن نخرج اعيان الشيعة كاملاً ثم أن نبرزه اخيراً بأحسن حلة وأنصع ثوب^{۱۲}»؛ (با عنایت و توفیق الهی موفق شدیم اعیان را به صورت کامل ارائه نماییم و اخیراً آن را به صورت زیبا و با کیفیتی مناسب چاپ نمودیم).

۱۲. اعیان الشیعه، چاپ ۱۵ جلدی، ج ۱، ص ۸.

در ادامه مقدمه به سه نکته اشاره می‌کند:

۱. برخی از تراجم و شرح حالها به صورت دست نویس بود و زندگی‌نامه افراد به طور کامل و وافی بررسی نشده بود که ما تا آنجا که امکان داشت، آنها را کامل کردیم.
۲. شرح حال برخی از افراد اصلاً نوشته نشده بود. پس ما شرح حال آن‌ها را با ذکر مأخذ و مدرک به نگارش درآوردیم و فقط تعداد کمی از شرح حال‌ها نوشته نشده که خواننده در ضمن کتاب ملاحظه می‌کند.

۳. روش نویسندگان در اعیان این بود که به شرح حال شخصیت‌های درقید حیات نپردازد. اما برخی از آنها در زمان تألیف کتاب زنده بوده و بعدها فوت کرده‌اند، لذا ما شرح حال آنها را نیز آوردیم، با ذکر این نکته که آن از مستدرکات ما بر کتاب است. هر چند در برخی موارد این اشارات در ضمن چاپ از قلم افتاده است.

در آخر می‌نویسد: کان هذا قبل أن اعزم علی اصدار (مستدرکات اعیان الشیعه) فی سلسلة مستقلة بلغت حتی الآن تسعة ملجعات^{۱۳}.

۱۳. همان مدرک.

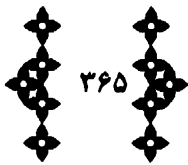
البته این اضافات قبل از آن بود که تصمیم بر تهیه کتاب مستقل «مستدرکات اعیان الشیعه» داشته باشیم. تاکنون ۹ جلد از این مستدرک چاپ شده است.

نیاز به بازنگری

با وجود زحمات و مشقات فراوانی که مؤلف و بعدها فرزندش در تدوین، تکمیل و چاپ اعیان الشیعه متحمل شده‌اند، همچنان اشکالاتی از نظر محتوا، قالب و شکل دیده می‌شود. که یقیناً دلیل آن سهل انگاری و مسامحه نویسنده نبوده است. دلایل مختلفی را می‌توان برای این اشکالات برشمرد از آن جمله:

۱. تعجیل در ارائه نتایج تحقیق و چاپ مطالب جمع آوری شده؛
۲. گستردگی و وسعت موضوع تحقیق؛
۳. وفات نویسنده در اثنای تألیف و عدم بازنگری مجدد؛





۴. دخالت‌های فرزند نویسنده در اضافه و حذف کردن مطالب به دلیل تکمیل و تنقیح محتوا و با اختلاف سلاقی و عقاید با نویسنده؛

۵. عدم تصمیم فرزند برای تألیف کتابی مستقل در تکمیل «مستدرکات اعیان» در هنگام چاپ آن.

۶. استقبال فراوان محققان و پژوهشگران شیعه و سنی از این اثر که سبب تعجیل در چاپ آن شد.

تعدد فعالیت‌های تحقیقی - تألیفی‌ای که سید حسن امین در دست داشته و نیز تدوین موسوعه مستدرکات اعیان الشیعه - در رفع پاره‌ای از نواقص موجود در اعیان - و شاید عنایت ویژه‌ی بر حذف یا اضافه پاره‌ای مطالب سبب شد تا وی فرصتی را برای بازنگری مجدد اعیان الشیعه تخصیص، و اقدامی برای تنقیح و تصحیح آن انجام ندهد. از سوی دیگر با توجه به گستردگی و حجم زیاد این اثر، تاکنون کسی به این امر مبادرت نورزیده و چاپی تصحیح شده و با تحقیق کافی و تخریج منابع و مآخذ از آن ارائه نداده است. تنها برخی از آثار و مقالات در بیان پاره‌ای از نواقص و اشکالات اعیان به چاپ رسیده‌اند که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱۵. این کتاب به همت مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه و با اضافات مؤلف در حال تجدید چاپ است.

۱. کتاب مع موسوعات رجال الشیعه، نوشته علامه سید عبدالله شرف الدین در سه جلد که در جلد دوم و سوم به اشتباهات و اغلاط موجود در اعیان الشیعه پرداخته است.^{۱۵}

۲. مقاله ملاحظات سریعه علی کتاب اعیان الشیعه، نوشته علامه شیخ محمد علی یعقوبی که در مجله «آفاق نجفیه» شماره ۶ (۲۰۰۷ م / ۱۴۲۸ م) به چاپ رسیده است. نویسنده در ۳۴ صفحه به ۷۰ مورد اشتباه در اعیان اشاره نموده است که اکثر این اشکالات سهویات ادبی می‌باشد.

معیارهای بررسی اعیان

عدم مبادرت به تصحیح به معنای عدم توجه به اشکالات موجود در اعیان و چاپ‌های موجود نیست، بلکه بسیاری از علما و شخصیت‌ها ضمن ارج نهادن به موسوعه بزرگ اعیان الشیعه و زحمات نویسنده و فرزندش به وجود اشکالات متعدد در آن اشاره نموده‌اند. در اینجا مناسب می‌بینم عبارتی که مرحوم علامه تهرانی در کتاب امام شناسی در ذیل بحث «جفر» آورده است را عیناً نقل نمایم.

وی ابتدا گفتاری از علامه سید محسن امین درباره «جفر» را ذکر نموده و سپس ردیه‌ای را که علامه امین بر رافعی و اتهامات وی بیان نموده است به فارسی ترجمه کرده و آورده است. بعد از آن در ذیل عنوان «تحریف سید حسن امین در کتاب اعیان الشیعه پدرش» چنین می‌گوید:

تمام مطالبی را که ما از اوّل صفحه ۲۳۹ تا اینجا ذکر کردیم، مطالب مرحوم آیه الله سید محسن امین عاملی بود که در «اعیان الشیعه» ج اول... از طبع دوم سنه ۱۳۶۳ هجری قمری مطبوعه دمشق ابن زیدون، ذکر فرموده است. و این طبع در زمان حیات ایشان و اشراف و مباشرت خود آن عالم جلیل بوده است.



ولی در طبع چهارم که در سنه ۱۳۸۰ و مطبعة انصاف بیروت و به تصدی فرزند ایشان: سید حسن امین پس از رحلت ایشان صورت گرفت، و به قدری دست تحریف در آن قوی بوده است که در بدو امر تصور نمی شود.

اولاً آقای سید حسن در بدو مطلب... عبارت محقق شریف را در شرح موافق..... به کلی ساقط کرده است؛ با آنکه کلام محقق شریف در اینجا بسیار مهم و از جهت استناد دارای ارزشی کامل است.

ثانیاً تمام روایات وارده را که از بصائر الدرجات استشهد بر مطلب نموده اند..... اسقاط و حذف نموده است.

ثالثاً عبارت او را تا قریب نیم صفحه حذف نموده است.

رابعاً عبارت «كشف الظنون» و عبارت «مقدمة» ابن خلدون را که سه صفحه تمام از کتاب را استیعاب کرده است و همه اش تصدیق به علوم غیبیه و مکاشفات الهیه برای ائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین است و برای استناد شیعه رد کلام عامه و اهل سنت، دلیل قوی و استوار بشمار می رود، همه را به طور کلی اسقاط کرده است. خامساً عبارت مصطفی صادق رافعی مصری را که در کتاب «عجاز القرآن» به شیعه جسارت ها نموده و تفاسیر آنان را از روی جفر قلمداد، و از حضرت سبط نبی اکرم امام حسن مجتبی ع با عبارت استخفاف و توهین آمیز یاد نموده است، و مرحوم پدر آیه الله سید محسن امین پس از ذکر آن به دفع پرداخته اند و در قریب به سه صفحه، وی را مفتضح و رسوا کرده اند..... همگی را حذف کرده است.

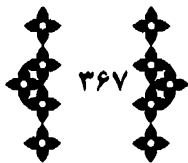
و به طور خلاصه مطالب مرحوم پدر را که دوازده صفحه تمام را شامل شده است، فقط در یک صفحه و چند سطر مثله نموده است.

و برای این عمل جز خیانت به حق و حقیقت، و دستبرد و تحریف در عبارت پدر و تنقیص تشیع و جانبداری از فرقه مخالف، چه محملی می توان تصور نمود؟!

ایشان نه تنها در این مورد، بلکه در تمام مباحث مرحوم سید محسن در تمام مجلدات «اعیان الشیعة» این تزویر را به کار برده اند، و مطالب نفیس را که سنگر تشیع را حفظ می کند، و دفاع از حملات مخالفین است حذف نموده اند؛ و حتی در بعضی عبارات تبدیل و تغییر به عمل آورده اند که جز تحریف و تصحیف صریح محملی ندارد.

از همه اینها عجیب تر، و فجیع تر، و فظیع تر، تجزیه بر اسقاط امام زمان ع است، که به طور صریح و واضح بحث امام زمان را از «اعیان الشیعة» مرحوم سید محسن به کلی حذف کرده اند و امامان شیعه را یازده تن شمرده اند و باب امامت را در کلام پدر به حضرت امام حسن عسکری ع ختم کرده اند.

مرحوم مؤلف «اعیان الشیعة» سید محسن امین جلد چهارم از آن را به دو قسمت نموده اند: قسمت اول در سیره حضرت امام حسن، و امام حسین، و حضرت امام زین العابدین و حضرت باقر العلوم و حضرت صادق ع. قسمت دوم در سیره حضرت امام



موسی کاظم و باقی ائمه طاهرين سلام الله عليهم اجمعين تا حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه می باشد.

قسمت دوم از صفحه اول تا صفحه ۳۲۵ در سیره حضرت موسی بن جعفر تا حضرت عسکری علیه السلام می باشد و از صفحه ۳۲۶ را تا آخر کتاب که صفحه ۵۴۰ از طبع اول سنه ۱۳۵۶ مطبوعه ابن زیدون دمشق می باشد استیعاب نموده است. و این کتاب با این خصوصیات در زمان حیات مرحوم مؤلف امین طبع و منتشر گردیده است. اما پس از فوت ایشان پسرانشان: سید حسن امین که به طبع مجدد کتب پرداخته است، بحث از امام زمان را به کلی اسقاط نموده و به سیره امام حسن عسکری علیه السلام کتاب را خاتمه داده است.

و چون در قسمت دوم از جلد چهارم می باید دو بیست و پانزده (۲۱۵) صفحه ساقط شود، و کتاب کم حجم و نازک به نظر می رسد، ایشان مقداری از قسمت اول جلد چهارم را در قسمت دوم آورده اند تا مقدار اسقاط شده چشمگیر نباشد.

و بنابراین در طبع سوم که بعد از رحلت مصنف کتاب انجام داده اند، قسمت اول از جلد چهارم را اختصاص به سیره امام حسن و امام حسین و امام زین العابدین داده اند و قسمت دوم را از حضرت باقر تا حضرت امام حسن عسکری علیه السلام ذکر کرده اند.

ولهذا می بینیم: در طبع سوم که در سنه ۱۳۸۰ در مطبوعه انصاف بیروت گرفته است در الجزء الرابع القسم الثاني... در احوالات حضرت عسکری خاتمه یافته است و... داستان سرقت مشهد عسکریین که پایان کتاب است آورده شده است. این خیانتی بزرگ و گناهی نابخشودنی است که کسی دست در کتاب عالم جلیلی ببرد، و به نام او به املاء او کتاب او را طبع کند، آنگاه چون خودش امام زمان را قبول ندارد آن را نسبت به پدر عالم شیعه زحمت کشیده رنج برده از دنیا رفته غیر قادر بر تکلم بدهد، و از لسان او و قلم او امامت را به حضرت عسکری ختم کند و آن عالم را در دنیا به یازده امامی معزفی کند.

می دانید: مسأله چقدر ذی اهمیت است؟! به عقیده حقیر جرم و جنایتی از آن بالاتر نیست.^۵

ملاك قضاوت و داوری در مورد يك كتاب به ويژه كتاب اعيان الشيعه بايد بر اساس موارد ذيل صورت پذيرد:

۱. روش و شيوه تحقيق و معيارهاي اصولی که مؤلف در اثر خود مد نظر داشته است. چنانچه پیش از این بیان شد، سید محسن امین در مقدمه اول کتاب خود به این روش اشاره نموده و ۱۴ ملاک را در تحقیق و تألیف کتاب مد نظر داشته است. یکی از ملاکهای قضاوت ما باید همین ۱۴ روش باشد.
۲. اصول و معیارهای تحقیق و پژوهش؛ همان شیوه های عمومی و کلی که در هر تحقیق باید به آنها پایبند بود و آنها را رعایت کرد.

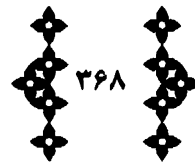
۳. قوانین و قواعد نگارشی؛ مانند: ویرایش، تایپ و صفحه بندی.

۱۶. امام شناسی: ج ۱، ص ۲۴۸ تا ۲۶۱. ذکر عبارات مرحوم علامه تهرانی به معنی عدم پاسداشت زحمات سید حسن امین نیست بلکه مقصود اهتمام علمای شیعه به اعیان الشیعه و تنقیح و تصحیح آن است. از آنجا که مطالب بیان شده شامل فوائدی است و از جمله اطلاعات خوبی در مورد چاب های اعیان به دست می دهد و نیز برای حفظ امانت، عبارت کتاب امام شناسی فقط بابت یکی تلخیص آورده ایم.

کتاب شیعه (۲)
سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان (۱۳۸۹)

[پژوهش های دردست اجرا]
تصحیح اعیان الشیعه





با توجه به نکات فوق الذکر، نواقص موجود در اعیان الشیعه را در سه زمینه تدوین، تحقیق و چاپ می‌توان به چند دسته تقسیم نمود که در ذیل به آنها اشاره خواهیم کرد.

نواقص و اشکالات اعیان الشیعه:

۱. گستردگی موضوع تحقیق و عدم جامعیت آن؛ ۲. ذکر رجال غیر شیعی؛
۳. نواقص چاپ ده جلدی؛ ۴. ذکر حواشی و تعلیقات در ضمن متن؛
۵. ذکر مستدرکات در ضمن متن؛ ۶. عدم اصلاح ارجاعات؛
۷. اشتباهات تایپی؛ ۸. تکراری بودن مدخلها؛
۹. عدم دقت در نقل قولها؛ ۱۰. نداشتن ترتیب دقیق الفبائی؛
۱۱. تغییر اطلاعات و به روز نبودن؛ ۱۲. ناقص بودن اطلاعات؛
۱۳. عدم انسجام محتوا؛ ۱۴. عدم تخریج مصادر و مستند سازی متن؛
۱۵. خلط برخی مدخلها و شخصیتها؛ ۱۶. ثبت اطلاعات اشتباه؛
۱۷. عدم ذکر اطلاعات کامل توسط علامه امین؛ ۱۸. وجود اطلاعات مغایر؛
۱۹. دقیق و مشخص نبودن صدور ذیل نقل قولها؛ ۲۰. عدم ضبط دقیق اعلام؛
۲۱. عدم اعراب گذاری در اشعار و موارد لازم؛ ۲۲. ترجمه متون فارسی؛
۲۳. ذکر اضافات توسط سید حسن امین ۲۴. حذف برخی اطلاعات توسط سید حسن
- بدون مشخص کردن موارد اضافی؛ امین بدون ذکر موارد حذفی؛
۲۵. عدم شمارش دقیق مدخلها؛ ۲۶. ذکر رجال غیر صالح شیعی؛
۲۷. عدم توازن در ارائه اطلاعات؛ ۲۸. عدم ضبط دقیق آیات.

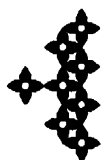
برای پرهیز از تطویل کلام، فقط در مورد برخی از این عناوین، توضیحاتی عرضه می‌شود:

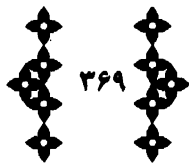
۱. گستردگی موضوع و عدم جامعیت آن

سید محسن امین، موضوع اعیان را رجال شیعه، بدون هیچ محدودیتی در نظر گرفته است که شامل کلیه رجال و مشاهیر شیعه از عالمان و دانشمندان تا پادشاهان و وزیران می‌شود.

گسترده‌گی موضوع، نیازمند تتبع و تحقیق در مورد جمعی از مترجمان و شرح حال ایشان است تا همه شخصیتها گردآوری شوند.

از آنجا که مؤلف به تنهایی دست به انجام چنین کاری عظیم زده و در اثنای آن نیز عمرش به پایان رسیده است، فرصت کافی برای جمع‌آوری همه مدخلها نداشته، از این رو نام بسیاری از





شخصیتها و حتی مشاهیر شیعه در کتاب نیامده است.

همین نقصان سبب شد تا سید حسن امین برخی از مدخل‌ها را خود به متن اعیان اضافه کند و بعدها به طور مستقل کتاب مستدرکات اعیان الشیعه را به چاپ رساند. که این کتاب نیز به دلیل فوت مؤلف ناقص ماند.

۲. ذکر رجال غیر شیعی

شیوه مؤلف در اعیان ذکر رجال شیعه بود و از این رو کتابش را اعیان الشیعه نامیده است و بنا بر آن بوده که شخصیت‌های غیر شیعه دوازده امامی در کتاب ذکر نشوند چنان‌که خود در بند اول از مقدمه اول کتاب به آن تصریح نموده است؛ ولی با مروری گذرا بر کتاب می‌توان افرادی را یافت که به یقین و یا به احتمال قوی غیر شیعه دوازده امامی، بلکه سنی هستند. در برخی از این موارد به سنی بودن آنها اشاره شده ولی دلیلی برای ذکر نیامده است مانند: ابونعیم صاحب حلیه الاولیاء که درباره اومی نویسد: «هو من علماء اهل السنة» (۴/۶)

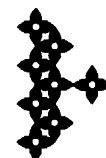
در پاره‌ای از موارد به سنی بودن آن اشاره نموده و دلیل ذکر آن را نیز بیان کرده است مانند: ابوصالح احمد بن عبد الملك المؤذن: «فی المعالم: عامی، له كتاب الأربعین فی فضائل الزهراء (۵۱). فهو ليس من شرط کتابنا و ذکرناه لذكر بعض اصحابنا له فی كتب الرجال لثلا یفوتنا شيء مما ذکره». (۱۸/۳)

در بعضی موارد نیز علمای سنی را ذکر کرده و هیچ اشاره‌ای به سنی بودن آنها ننموده است مانند: خواجه نظام الملك الطوسی (۱۶۵/۵)، یحیی بن سعید القطان (۲۹۵/۱۰) و الحباب بن یزید (۳۸۳/۴).

۳. نواقص چاپ ده جلدی

چاپ ده جلدی که به عنوان چاپ تنقیح شده در دست ماست، تفاوت‌های بسیاری با چاپ قبلی دارد و ناشر محترم بسیاری از نکات را بر اساس استنباط شخصی و ذوق و سلیقه خود حذف نموده است. این اشکال در چاپ‌های قبلی نیز مشاهده می‌شود یعنی در جلد‌هایی که در زمان حیات نویسنده به چاپ رسیده است، نکاتی وجود دارد که در چاپ بعدی که بعد از وفات وی بوده حذف شده است و باز در همین چاپ نیز مطالبی وجود دارد که در چاپ ده جلدی موجود نیست.

مقایسه مبحث زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام و حضرت مهدی علیه السلام در چاپ‌های گوناگون، تفاوت‌های فراوان بین چاپ‌ها را به وضوح نشان می‌دهد. در شرح حال شخصیت‌ها نیز شاهد موارد محذوف فراوانی هستیم؛ به عنوان نمونه در شرح حال ابراهیم بن یحیی الطیبی (چاپ جدید: ۲/ ۲۳۷ تا ۲۴۸ و چاپ قدیم: ۵/ ۵۱۴ تا ۶۹۵) در برخی قسمت‌ها از يك سطر تا ۳۳ صفحه از مطالب حذف



شده است. در مورد اسماعیل بن علی النوبختی (چاپ جدید: ۲ / ۳۸۳ تا ۳۸۸ چاپ قدیم، ۱۲ / ۳۳ تا ۶۱) از ۲ تا حدود ۳ صفحه حذف شده است. در شرح احوال علی الجبلی هم بیش از ۲۵ صفحه از مطالب چاپ قدیم در چاپ ده جلدی نیامده است.

شرح حال امام مهدی علیه السلام در چاپ اول و دوم که در زمان حیات مؤلف به طبع رسیده، وجود دارد ولی در چاپ بعد از وفات مؤلف، توسط فرزندش حذف گردیده است. سپس به دلیل فشارهای وارده توسط خوانندگان، سید حسن مجبور شده است در چاپ بعدی زندگی نامه امام زمان علیه السلام را با حذف کردن بسیاری از مطالب، بیاورد.

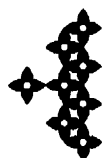
۵. ذکر حواشی و تعلیقات در ضمن متن

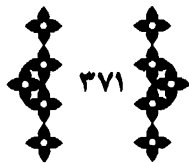
مؤلف، اعیان را به مرور چاپ می نمود و در معرض قضاوت صاحب نظران قرار می داد. از این رونقدها و حواشی فراوانی به دست می آمد که آنها را در ابتدا یا انتهای جلد های بعدی چاپ می نمود. این رویه بعد از وفات او هم ادامه داشت.

در چاپ های بعدی برخی از این حواشی اعمال می شد و اشکالاتی که به محتوای جلد های قبل وارد بود اصلاح و در مواردی نیز دوباره متن نقد ذکر می گردید. حق مطلب این بود که سید حسن امین در چاپ ده جلدی کلیه این حواشی را در صورتی که درست می دانست اعمال می کرد و برای حفظ امانت و سپاس از ناقدین متن، آنها را در یک جلد مجزا و یا در قسمتی جداگانه ذکر می کرد و اگر آنها را قبول نداشت ذکر نمی نمود و یا با ذکر ادله آنها را رد می کرد و یا دست کم تصریح به عدم وارد بودن این حواشی می نمود. و یا هیچ یک از نقدها را در متن اعمال نمی کرد و فقط متن نقد را به صورت جداگانه با ارجاع به متن و یا در پاورقی ها می آورد.

ولی در چاپ ده جلدی، برخی از حواشی و نقدها، بدون ذکر نقد، اعمال شده اند و برخی از نقدها و اشکالات بیان شده، در ضمن شرح حالها آمده است؛ به عنوان نمونه بعد از شرح حال ابراهیم بن یزید الاشعری می نویسد: «تعلیقات علی هذا الجزء للسید شهاب الدین الحسینی المرعشی التبریزی المعروف بأقانجفی نزیل قم المبارکة مایلی» (۲ / ۲۵۰). نیز بعد از شرح حال سید احمد تستری می نویسد: «نقد الجزء السادس من اعیان الشیعه للسید شهاب الدین الحسینی النجفی» (۳ / ۱۲۷).

همین مسأله در مورد تقریظاتی که بر کتاب وارد می شده نیز وجود دارد. در ابتدا و انتهای چاپ قدیم تقریظات دانشمندان مختلف چاپ شده که برخی از اینها در چاپ جدید در میان شرح حالها آمده است، هر چند بسیاری از آنها را سید حسن در جلد دهم که اختصاص به شرح حال نویسنده دارد، گنجانده است، به عنوان نمونه بعد از شرح حال امیر خلیل الحرفوشی ذیل عنوان





«هذا الكتاب»، تقریظ شیخ سلیمان ظاهری عاملی را آورده است (۱۸۷/۷). ویا در جلد ۶، ص ۱۱۰ قصیده‌ای از سلیمان ظاهر در مدح اعیان الشیعه آمده است.

۶. عدم اصلاح ارجاعات

نویسنده در صفحات مختلف از اعیان الشیعه، خواننده را به اطلاعات قبلی و یا بعدی ارجاع داده است. این ارجاعات بر اساس چاپ قدیم (۵۵ جلدی) است، چون این چاپ از زمان حیات مؤلف موجود بوده است. در اعیان ده جلدی که توسط سید حسن امین به طبع رسیده این ارجاعات بر اساس ده جلد اصلاح نشده و همچنان بر اساس همان چاپ قدیم می باشد که خواننده را سردرگم می کند و امکان استفاده از این ارجاعات برایش فراهم نیست. مانند موارد ذیل:

۲ / ۳۷۸: مزفی ج ۷

۳ / ۱۶: مزفی ج ۷

۴ / ۸۰: مزفی ترجمه ج ۱۴

۱ / ۸۸: یاتی فی سیرته فی الجزء الثالث

۲ / ۳۴۰: یاتی فی ج ۱ و فی ج ۱۳

۳ / ۴۶۶: یاتی فی ج ۱۴ و فی ج ۱۶

۳ / ۳۷۰: مزفی ج ۶

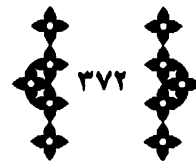
۷. اشتباهات تایپی

غلط چاپی در اکثر کتابها یافت می شود، اما چاپ ده جلدی اعیان اغلاط و اشتباهات تایپی فراوانی دارد که به دلیل عدم دقت رخ داده اند. کثرت اشتباهات از اشکالات مهم این کتاب به شمار می آید. تعداد بالای این اشتباهات تا حدی است که قابل چشم پوشی نیست. به عنوان نمونه مرکز تحقیقات کامپیوتری نور در نرم افزار تراجم که متن اعیان الشیعه را آورده، بیش از ده هزار غلط در چاپ ده جلدی استخراج کرده است. اهمیت این نکته وقتی هویدا و روشن می گردد که توجه داشته باشیم مرکز تحقیقات در مقام تحقیق و تصحیح اعیان نبوده است و به طور تصادفی به این میزان اغلاط برخورد کرده است.

۸. تکراری بودن مدخلها

در کتاب اعیان الشیعه، در موارد بسیاری با مدخل های مشترك مواجهیم که نویسنده به صورت تکراری آنها را در جاهای مختلف ذکر نموده است. این تکرارها به چند صورت است؛ در برخی موارد، نویسنده در ذیل هر يك از مدخلها توضیحات مفصلی آورده و خود به تکراری بودن آن اذعان دارد، مانند: بشرین میمون الواشبی النبال کوفی (۳ / ۵۷۸) و بشرین میمون الواشبی





النبال الکوفی (۵۸۶ / ۲) و بشیر النبال (۵۸۶ / ۲).

در مواردی نیز تکرار، برای ارجاع به مدخل دیگر است، مانند: الاسود بن ربیعۃ الحنظلی که در ذیل آن چنین آورده: «یأتی بعنوان الاسود بن عیسی بن اسماء» (۴۴۱ / ۳).

در پاره‌ای از موارد نویسنده به تکراری بودن مدخلها واقف نبوده و از آن غفلت نموده است. فرزند وی نیز در چاپهای بعدی، گاهی متوجه این اشتباهات نشده است مانند: ابراهیم بن هشام بن یحیی غسانی دمشقی (۲۲۶ / ۲)، ابراهیم بن هشام بن یحیی (۲۵۴ / ۲)، ابراهیم بن هشام بن یحیی بن یحیی الغسانی الدمشقی (۲۳۶ / ۲) و ابراهیم بن هشام بن یحیی ابن یحیی الغسانی (۲۵۵ / ۲) که همه اینها یک نفر است و یا الشیخ حسین بن ابراهیم الجیلانی التنکابنی (۴۱۲ / ۲)، با الشیخ حسین التنکابنی الحکیم، (۴۶۳ / ۵) تکراری است.

در مواردی نیز در چاپ قدیم تکراری بوده، ولی در چاپ جدید سید حسن امین آنها را حذف نموده است، ولی هیچ اشاره‌ای به این تصرف در متن نکرده است مانند: ابراهیم الغروی النجفی (چاپ قدیم ۳۷۶ / ۵ و ۴۵۶ / ۵).

۹. عدم دقت در نقل قولها

در برخی از نقل قول‌های موجود اعیان، محدوده کلام نقل شده، مشخص نیست و خواننده مجبور به مراجعه به منبع اصلی است، علاوه بر آن گاه اشتباهات فاحشی در نقل قول‌ها وجود دارد. به عنوان نمونه در ذیل شرح حال ثبیت بن محمد (۲۱ / ۴) می‌نویسد:

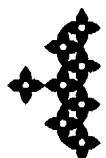
«قال النجاشی: متکلم حاذق من اصحاب العسکریین علیهما السلام و...» یعنی وی از اصحاب امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام می‌باشد. و حال آنچه در کتاب نجاشی آمده چنین است: «متکلم حاذق من اصحابنا العسکریین و...»^{۱۷} یعنی اواز شیعیان شهر عسکریین «سامرا» هستند.

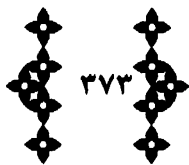
۱۷. رجال النجاشی، ص ۱۱۷.

کلمه «علیهما السلام» که بعد از عسکریین آمده نشان می‌دهد این عبارت خطای مطبعی نیست، بلکه اشتباه در نقل قول است.

۱۰. نداشتن ترتیب دقیق الفبائی

در مقدمه کتاب اعیان، در ذیل روش کار نویسنده چنین آمده: «تذکر الاسماء مرتبه علی حروف المعجم بحسب الحروف الأول والثانی وما بعده وبحسب أسماء الایاء والاجداد والألقاب والایوصاف فأدم بن اسحاق بن مقدم علی آدم بن الحسین وایان بن ارقم الطائی مقدم علی ایان بن ارقم العنزی وهكذا» یعنی: نام‌ها را به ترتیب حروف الفباء، مطابق حرف اول و دوم و حروف بعد از آن و بر طبق





اسامی پدران و نیاکان والقباب و اوصاف ذکر می‌کنیم بنابراین آدم بن اسحاق را قبل از آدم بن الحسین و ابان بن ارقم طائی را قبل از ابان بن ارقم العنزی می‌آوریم و به همین ترتیب سایر موارد.

با این وجود در بسیاری از موارد، این نکته رعایت نشده است و بهم ریختگی فراوانی مشاهده می‌شود.

متأسفانه در چاپ ده جلدی نیز با وجود اینکه تدوین اعیان و مدخل یابی آن پایان یافته بود و باید مدخلها به ترتیب آورده می‌شد، این اشکال دیده می‌شود، مثلاً: علی الشرقي (۷ / ۱۷۹) مقدم بر الشیخ علی بن جعفر (۷ / ۱۸۱) شده. یا علی بن غیاث الدین (۷ / ۲۶۳) مقدم است بر علی بن عبدالعزیز (۷ / ۲۶۳) و یا در میان افرادی که نام آنها با حرف «خ» آغاز می‌شود، الدابقی والداری آمده است (۶ / ۳۲۶).

۱۱. ذکر مستدرکات در ضمن متن

از آنجا که مؤلف همزمان با نوشتن اعیان اقدام به چاپ آن نموده، طبیعی است که برخی مدخلها و اطلاعات را به مرور زمان بدست آورده است و برای اینکه اطلاعات جمع‌آوری شده، هرچه سریعتر به چاپ برسد، مستدرکات را در ابتدا یا انتها و بعضاً در بین مجلدات بعدی به چاپ رسانده است.

فرزندش، سید حسن نیز همین شیوه را ادامه داده است؛ به عنوان نمونه: ج ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ از چاپ قدیم، به طور کامل به مستدرکات اختصاص یافته و یا ج ۷ / ۳۰۴ تا ۳۱۱ و ۳۳۴ تا ۳۴۱ و ۴۸۸ تا ۴۹۳ مستدرکات است. متأسفانه این شیوه در چاپ ده جلدی نیز دیده می‌شود؛ یعنی در برخی جلدها در میانه کتاب، سید حسن مدخلهایی را به عنوان استدرکات آورده است؛ مانند: استدرک علی مابدأ بآب (۲ / ۴۵۱)؛ استدرک لمن اسمہ احمد (۳ / ۱۲۶). در حالی که باید مدخلها را در جای خود و بر اساس حروف الفبا ذکر کند.

۱۲. به روز نبودن و تغییر اطلاعات

با گذشت زمان پاره‌ای از اطلاعات تغییر می‌کنند و نیازمند نو شدن و به روز رسانی دارند. در اعیان نیز برخی از اطلاعات بر اساس زمان نویسنده ارائه شده‌اند که ضروری است در پی نوشتها و تعلیقه‌ها به تغییر اطلاعات اشاره شود، مثلاً علامه امین بسیاری از کتابها را مخطوط و غیر چاپی معرفی می‌کند که هم اکنون به طبع رسیده‌اند و یا مثلاً در مورد الذریعه آقا بزرگ طهرانی می‌نویسد: «صنف معاصرنا الشیخ آقا بزرگ الطهرانی کتاباً سَمَّاهُ الذریعة الی تصانیف الشیعة فی سِت مجلدات» (عالم معاصر ما جناب شیخ آقا بزرگ تهرانی کتابی به نام الذریعة الی تصانیف الشیعة در ۶ جلد تألیف نموده است) در حالی که این شش مجلد، اشاره به طرح اولیه کتاب ذریعه است و هم اکنون الذریعه در ۲۶ جلد به چاپ رسیده است و باید در پانویشتها به این



نکته اشاره گردد.

۱۳. ناقص بودن اطلاعات

با توجه به گستردگی کاربرد اعیان و کمی فرصت و نیز تنها بودن علامه امین در تدوین آن، اطلاعاتی که در مورد برخی شخصیتها نقل شده ناقص اند؛ به عنوان مثال، سید در شرح حال ابوجحیفه تنها به این نکته بسنده می‌کند که: «فی الخلاصة بضم الجیم اسم وهب بن عبدالله السوائی بالسين المهملة» (۲ / ۳۱۱) و حال آنکه با مروری گذرا در کتب مختلف رجالی و حدیثی اطلاعات بسیاری را در مورد وی می‌توان یافت. (رک: قاموس الرجال: ۲۵۰/۱۱)

۱۴. عدم انسجام محتوا

یکی از مشکلات چاپ جدید اعیان، عدم انسجام و یک دست نبودن آن است. بهتر بود سید حسن یکی از دوشیوه را در چاپ کتاب برمی‌گزید، یا هر آنچه در هر جلد از چاپ قدیم بود، مانند تقریظ‌ها، مقدمه و خاتمه کتاب را در چاپ جدید می‌آورد و جلد بعدی را در ادامه به همان شکل قدیم ذکر می‌کرد، و یا تقریظ‌ها، مقدمه، خاتمه، هوامش و غیره را حذف و مدخل‌ها را به صورت مسلسل ذکر می‌نمود و آنچه لازم بود در جای خود بیان می‌شد، مثلاً تقریظ‌ها را در جلدی جداگانه، هوامش و تنبیهات و مستدرکات را در ذیل مدخلها می‌آورد.

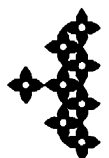
ولی در چاپ جدید اعیان، این نکته لحاظ نشده است و انسجام خاصی دیده نمی‌شود. مثلاً در برخی موارد سید حسن مقدمه جلد‌های قدیمی را در وسط مدخل‌ها آورده و در مواردی نیز این کار را نکرده است و مقدمه را حذف کرده. در مورد مستدرکات، تقریظ و هوامش نیز قبلاً متذکر شدیم که عملکرد واحدی ندارد. در ذیل، به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم.

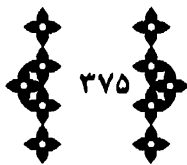
۲ / ۸۵ که از ابتدای جلد ۵ چاپ قدیم می‌باشد، بسم الله و خطبه موجود در چاپ قدیم را ذکر نموده است.

۲ / ۲۵۱ که انتهای جلد ۵ چاپ قدیم می‌باشد، خاتمه کتاب که در چاپ قدیم آمده، موجود نیست و در ادامه با «بسم الله الرحمن الرحيم» جمله بعدی شروع می‌شود، ولی در همان جلد ص ۳۷۴ که برابر با انتهای جلد ۶ می‌باشد خاتمه آمده است.

این رویه چند گونه در بقیه جلد‌ها نیز مشاهده می‌شود. ج ۶، ص ۱۱۰ که برابر با انتهای جلد ۲۶ چاپ قدیم است، خاتمه کتاب و یک تقریظ ازد و تقریظ موجود در چاپ قدیم آمده است، سپس ابتدای جلد ۲۷ شروع شده و بدون اینکه «بسم الله الرحمن الرحيم» ذکر شود، خطبه آورده شده است.

این عدم انسجام تا جلد ۳۶ ادامه دارد، اما از جلد ۳۷ که بعد از وفات نویسنده و توسط فرزندش به چاپ رسیده، مقدمه‌ها و خاتمه‌ها در چاپ جدید نیامده‌اند.





۱۵. عدم تخریج مصادر و مستند سازی متن

یکی از کارهای ارزشمندی که سید امین در مقدمه سوم کتاب (۱/ ۲۰۹ - ۲۱۸) انجام داده، ذکر منابع و مآخذی است که در اعیان از آنها استفاده شده است. وی در این مقدمه ۳۹۳ منبع را با ذکر مشخصات اجمالی آنها ذکر نموده است. هرچند که این منابع ناقص اند و اسامی برخی از کتابهایی که از آنها استفاده نموده در این مقدمه نیاورده است، مانند: کتاب ایضاح الاشتباه (۲/ ۹۳ و ۲۳۱، ج ۳/ ۱۳۵ و ۲۵۶...); اتفاق المقال (ج ۱/ ۱۵۳، ۸/ ۳۷۱); تهذیب الکمال (۲/ ۸۸، ۲/ ۳۱۰ و ۶۱۲، ج ۴/ ۵۴۱...); اما اشکال دیگر چاپ جدید اعیان، عدم تخریج و مستند سازی است. نویسنده و محقق آن جز در موارد انگشت شمار، مآخذ مطالب را در پاورقی ذکر نکرده، و به تخریج مصادر نپرداخته اند. حتی آن بود که نام کتاب، شماره صفحه و جلد آن در پاورقی یا متن ذکر می شد.

۱۶. خلط برخی مدخلها و شخصیتها

گاه در اعیان الشیعه شرح حال برخی شخصیتها با هم خلط شده است، که با مراجعه به کتب رجال و شرح حال نگاری این تداخل به روشنی مشاهده می شود، به عنوان نمونه: در ج ۴، ص ۲، به نقل از نجاشی شرح حال «ثبیت بن محمد أبو محمد العسکری صاحب أبي عيسى الوراق» آمده است. در اواسط شرح حال چنین می نویسد: «ثبیت ممن كان يروي عن أبي عبد الله عليه السلام و... بدون شك «ثبیت» در اینجا بغیر از «ثبیت بن محمد ابو محمد العسکری» است. خود نجاشی نیز که عبارت از او نقل شده «ثبیت بن محمد» را ذیل مدخل شماره ۳۰۰ و «ثبیت» را با شماره ۳۰۱ ذکر نموده است. در معجم رجال الحديث، «ثبیت» با شماره (۱۹۸۷) (۴/ ۳۰۸) و «ثبیت بن محمد» با شماره (۱۹۸۸) (۴/ ۳۰۹) آمده است.

۱۷. ثبت اطلاعات اشتباه

پاره ای از اطلاعات ارائه شده در اعیان در مورد شخصیتها و یا اسامی افراد، اشتباه است. برخی از این اشتباهات در چاپهای قبلی کتاب بوده که با تذکر مؤلف و یا فرزندش و یا حواشی و نقدهایی که دیگران نوشته اند، اصلاح گردیده است، ولی در چاپ جدید نیز اشتباهات محتوایی دیده می شود که نیازمند تحقیق و تصحیح است، به عنوان مثال تاریخ وفات سید احمد بن آقا محسن سلطان آبادی (۷۱/۳) را سال ۱۳۲۵ ذکر می کند، در حالی که این تاریخ، مربوط به مرگ پدر اوست و تاریخ رحلت سید احمد ۱۳۵۷ می باشد. (تربت پاکان: ۱/ ۳۷۳)

۱۸. عدم ذکر اطلاعات کامل توسط علامه امین

سید محسن یا ثبت کامل برخی اطلاعات را فراموش کرده و یا هنگام چاپ آنها را به دست نیاورده است، مثلاً در شرح حال الحاج جابر خان الکعبی در (۴/ ۴۹) تاریخ وفات وی را خالی گذاشته و می نویسد: «توفی سنه... المحمره» این نقطه چین به جای ذکر مطلب در جاهای مختلف اعیان



به چشم می خورد مانند سه مورد در (۳۹۴/۲)، (۴۳۸/۲)، (۴۹۴/۲)، (ج ۳/۳۵۸).

۱۹. وجود اطلاعات مغایر

اطلاعات موجود در اعیان در برخی موارد با هم مغایرت دارد و یک مطلب در جاهای مختلف به صورت های متفاوتی بیان شده است. به عنوان مثال: در (۱۶۰ / ۲) دوبیت شعر «ولیله باتت براغیثها...» را به شیخ ابراهیم صادق نسبت می دهد و در (۸ / ۱۵۰) همین اشعار را به سید علی علوی بن اسماعیل بحرانی از شعرای قرن ۱۱ منسوب می کند.

تاریخ وفات الشیخ محمد هادی النحری در (۱۰ / ۸۲)، ۱۲۰۷ ذکر می شود در حالی که در (۱۰ / ۲۳۰) تاریخ وفات او ۱۲۳۵ بیان می شود.

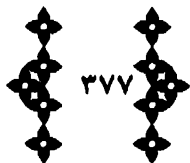
خاتمه

مؤسسه کتابشناسی شیعه در راستای اهداف و مأموریت های خود و با عنایت به نواقص و مشکلات اعیان که به صورت کلی در این نوشته به آنها اشاره شد، و با توجه به تأکیدات برخی از بزرگان بر آن شد تا تحقیق و تنقیح این اثر ارزشمند را وجهه همت خود قرار دهد.

از این رو، از سال ۱۳۸۸ به این مهم مشغول شدیم. امیدواریم با عنایات الهی و با سعی و تلاش همکاران مؤسسه کتابشناسی شیعه بتوانیم این موسوعه عظیم را با تحقیقی جدید و چاپی وزین و شایسته به جامعه تشیع و پژوهشگران تقدیم و اندکی از حق علامه سید محسن امین بر خود را ادا کنیم. و به این مهم چشم انتظار نظرات و راهنمایی و همراهی صاحب نظران هستیم.

این مقاله را با نقل خاطره ای از مرحوم سید حسن امین به پایان می برم. ایشان در مصاحبه ای با مجله حوزه (ش ۲۷ / ص ۱۸۷ گوید):

ده روز قبل از وفات پدرم، بعضی از دوستان ایشان که با او در نوشتن کتاب اعیان الشیعه، همکاری می کردند، برای عیادت ایشان به بیمارستان آمدند؛ تا چشم آن مرحوم به آنان افتاد گریه کرد و آنان تصور کردند او به خاطر فراق دنیا گریه می نماید و شروع به دلداری او نمودند و گفتند شما مردی خدمت گذار به اسلام و مسلمانان بودید و هم اکنون با روی سفید به سوی پروردگار خود می روید. پس از رفتن آنان، پدرم از من کاغذ و قلم خواست ولی چون پزشک ایشان را از خواندن و نوشتن منع نموده بود سعی کردم ایشان را منع کنم، لیکن اصرار ایشان مرا وادار نمود که خواسته ایشان را اجابت کنم و کاغذ و قلم در اختیارشان گذاشتم. پس از مدتی برگ را به من پس دادند. دیدم در آن قطعه شعری نوشته شده است که این ابیات آخرین اشعاری است که در حیات خود سروده است. نوشته بود:



بَكَيْتُ وَمَا بَكَيْتُ لِفَقْدِ دُنْيَا	أَفَارِقُهَا وَلَا خِلَ أَلِيفِ
وَلَكِنِّي بَكَيْتُ عَلَى كِتَابِ	تُصَيِّقُهُ يَدَايَ إِلَى صُنُوفِ
سَيِّمِضِي بَعْدَ فَقْدَانِي ضَيَاعاً	كَمَا يَمِضِي شِئَاءٌ بِالْخَرِيفِ
أَسِفْتُ لَهُ وَكَانَ لِيْذَاكَ حَزْنِي	وَلَمْ يَكْمُلْ بِتَهْذِيبِ مُنِيفِ
وَلِي أَمَلٌ بِفَضْلِ اللَّهِ رَبِّ الـ	- خَلَاتِقِي وَاسِعِ الْكَرَمِ اللَّطِيفِ -
بِأَن يُعْطِيَ الرِّغَائِبَ فَهَوَّلَمَا	يَزِلْ مَلْجَأِي فِي الْأَمْرِ الْمَخُوفِ

ایشان به کتاب اعیان الشیعه و ناتمام ماندن آن اشاره کرد که، من به خاطر این کتاب گریه می‌کنم، نه به خاطر رفتن از دنیا.

هنگامی که اشعار را خواندم متأثر شدم و نزد ایشان رفته و به او گفتم: با شما عهد می‌کنم که کتاب شما ضایع نشود و در چاپ آن بکوشم. آنگاه فرمود: اینک به مرگ اعتنائی ندارم و پس از ده روز درگذشت - رضوان الله تعالی علیه. پس از ایشان خود را میان تعلق به دنیا و نعم آن و با ترک آن و اشتغال به کتاب اعیان الشیعه، یافتم. از این رومدت سه ماه سعی در جمع میان آن دو کردم؛ لیکن پس از مدتی عدم تمکن آن برایم ثابت شد؛ از این رو دنیا را با تمام مُغریات آن رها کرده و به اعیان الشیعه روی آوردم؛ و اگر این راه را انتخاب نمی‌کردم هرگز اعیان الشیعه چاپ نمی‌شد. نخست اعیان الشیعه چاپ نامناسبی شد؛ لیکن در چاپهای بعدی اصلاحات انجام شده و به صورت آبرومندی درآمد.

